

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن:۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: مصمیم

شتر

روزنامه

شنبه ۸ آذر ۱۴۰۴ • ۸ جمادی‌الثانی ۱۴۴۷ • ۲۹ نوامبر ۲۰۲۵ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۲۶۶ • ۱۲ صفحه اذان ظهرتهران ۱۱:۵۳ • اذان مغرب ۱۷:۱۱ • اذان صبح فردا ۵:۲۶ • طلوع آفتاب ۶:۵۵



در میانه تشدید خشکسالی و افت کم‌سابقه بارش‌ها، تازہ‌ترین تصاویر از سدهای ارداک، طرق و کارده در خراسان رضوی تا سد پیشین در سیستان، واقعیتی تلخ را نمایان می‌کند؛ مخازنی که زمانی منبع امید و حیات شرق کشور بودند، امروز با پهنه‌های خشک، خطوط پس‌نشین آب و کاهش چشمگیر ذخایر، روایتگر بحران آبی گسترده‌ای هستند که زندگی شهرها، روستاها و کشاورزی منطقه را در آستانه هتدار جدی قرار داده است. عکس: سپیده مهاجر، ایسا

instagram:sharghdaily1
twitter:sharghdaily
youtube:sharghdaily
Telegram:SharghDaily
apararat:tasvirshargh
www.sharghdaily.com

کودکی جامانده در دود



سعیدنبی

مستندساز

داده دقیق و هوشمند ندارد، آیا «فاصله حکمرانی» را می‌تواند مدیریت کند؟ دراین‌میان آسیب‌پذیرترین گروه کودکان‌اند. مطالعات معتبر جهانی تصویر انکارناپذیری ارائه می‌دهند: در چین، پژوهش گسترده‌ای روی بیش از ۱۰ هزار زوج نشان داد افزایش ۱۰ میکروگرم ذرات معلق کمتر از ۲.۵ میکرون موجب ۱۱ درصد کاهش باروری می‌شود. در آمریکا و کانادا، تحقیقات بیش از ۱۵ سال نشان داده آلودگی هوا احتمال نقایض مادر زادی قلب و دیواره شکمی جنین را افزایش می‌دهد و مطالعه دانشگاه کینگز کالج لندن نیز از افزایش بستری‌های روان‌پزشکی کودکان و نوجوانان در شرایط بحرانی هوا می‌گوید. کارشناسان عقیده دارند تنها هزینه درمان آسم کودکان در سال ۱۴۰۴ در تهران بیش از هفت‌هزارو ۵۰۰ میلیارد تومان تخمین زده شده است و اگر روند فعلی ادامه یابد، ایران احتمالاً بیش از سالمندی جمعیت دچار «سالمندی شناختی» می‌شود. تناقض بزرگ دیگر اجرای سیاست «افزایش جمعیت» با چگونگی اجرای «قانون هوای پاک» است و پاسخ به این سؤال را دشوار کرده، آیا افزایش جمعیت بدون تضمین «محیط سالم» امکان‌پذیر است؟ تجربه‌های جهانی نشان می‌دهد چین طی برنامه پنج‌ساله «جنگ با آلودگی» با ارتقای استاندارد سوخت، تعطیلی موقت و مرحله‌ای صنایع آلاینده، انتقال واحدهای صنعتی و نصب فیلترهای آنلاین توانست در کمتر از پنج سال میانگین ذرات معلق کمتر از ۲.۵ میکرون پکن را ۴۳ درصد کاهش دهد. کره جنوبی تنها در ۱۸ ماه، با استانداردسازی سوخت کم‌گوگرد و نوسازی ناوگان حمل‌ونقل عمومی، تمرکز بر مناطق مدرسه‌محور و پایش آنلاین، آلودگی گاز نیتروژن را حدود ۳۰ درصد کاهش داد و شیلی با پذیرش

دغدغه‌خوانی

آیا سلامت دانش‌آموزان برای آموزش و پرورش مهم است؟

محمد برومند

مشاورمدرسه

با دقت نبوده است. هر دانش‌آموز تیزبینی به راحتی می‌فهمد که این سؤالات کدام‌ها هستند. بنابراین می‌تواند به‌سادگی پاسخ‌هایی نادرست به این آزمون بدهد و سامانه نیز متوجه آن نشود.
سوم، در نهایت قرار است دانش‌آموزان بر اساس نتایج آزمون‌شان رنگ‌بندی شوند و آنهایی که رنگ‌شان قرمز می‌شود به‌عنوان دانش‌آموز مشکل‌دار شناخته شده و سپس مورد بررسی مشاور مدرسه قرار می‌گیرند و بعد از آن در مراکز مشاوره مناطق ادارات کل آموزش و پرورش طی دو تا چهار جلسه مورد بررسی و مداخله قرار می‌گیرند.
سؤالات و ابهام‌های بزرگ در این میان آن است که آیا دانش‌آموزی که رنگ آزمون غربالگری‌اش قرمز شده با چهار جلسه نیم‌بند مشکلس حل می‌شود و اگر چنین است چه رنگ قرمز رقیقی؟ بر اساس داده‌های به‌دست‌آمده، تاکنون ۳۰ درصد از دانش‌آموزان مناطق شهر تهران در این آزمون رنگ‌شان قرمز شده است. این چه رنگ قرمزی است که وضعیت دانش‌آموزان شهر تهران را مشکل‌دارتر می‌انگیزد؟
سؤالات و ابهام‌های دانش‌آموزان است که بیشتر نمایشی بوده و وزارت بهداشت حدود ۲۵ درصد از شهروندان با مشکل روانی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. سؤال دیگر این است که آیا آموزش و پرورش به اندازه تعداد دانش‌آموزان قرمزشده مشاور کافی و مجرب در اختیار دارد که بتواند جلسات مشاوره‌ای باکیفیت با آنها برگزار کند؟
موضوع رصد و پایش آسیب‌های اجتماعی که مدیران مدارس تکمیل می‌کنند نیز از جمله اقداماتی است که بیشتر نمایشی بوده و آمارها چندان نشان‌دهنده واقعیت‌ها نیستند. این دو اقدام در ذیل فعالیت‌های آموزش و پرورش برای حفظ و ارتقای سلامت روان دانش‌آموزان نشان‌دهنده این است که این نهاد بزرگ آموزشی و تربیتی متأسفانه در دام بوروکراسی داده‌محور افتاده و صرفاً می‌خواهد نشان دهد که سهم خود را در نظام مراقبت‌های اجتماعی دانش‌آموزان

مشغول خواندن رمان «در جست‌وجوی زمان از دست رفته» اثر مارسل پروست بودم که حین تخیل در عصر هوش مصنوعی و انقلاب پنجم صنعتی شهری را دیدم که برخی مردمانش غناص طبیعت را سد راه توسعه می‌دانند اما همچنان چشم‌انتظار طبیعت‌اند؛ باد، باران و خورشید که ناکهان پیام مهدکودک فرزندم آمد: «امروز هم از باد خبری نیست، به دلیل آلودگی هوا تعطیلیم». تهران ۱۴۰۴ شبیه پیرمردی شده که با سرفه‌های بی‌دربی دست‌وپنجه نرم می‌کند. شهری که طبق مطالعات منتشرشده، کودکانش در برخی روزها در هر نفس، ذرات معلق کمتر از ۲.۵ میکرون، دی‌اکسید نیتروژن، دی‌اکسید گوگرد و اوزن را دو تا سه برابر حد مجاز سازمان جهانی بهداشت وارد ریه‌های در حال رشد خود می‌کنند. ریه‌هایی کوچک‌تر از آنکه حتی وزن گزارش رسمی کمیسیون اصل ۹۰ را تاب بیاورند.

این گزارش رسمی در ۱۴۰۳ آشکارا نشان می‌دهد که از ۲۲۸ تکلیف قانونی «قانون هوای پاک»، تنها ۲۸ تکلیف اجرا شده، ۱۳۸ مورد ناقص مانده و ۶۲ مورد اصلاً اجرا نشده است و برای چرایی این منظور و در غیاب یک نهاد تنظیم‌گر مستقل کلان، از سازمان محیط زیست به‌عنوان یک سازمان حاکمیتی ناظر باید پرسید آیا به محلی برای وفاق تبدیل شده است؟
خوداظهاری سه تا چهار سال گذشته دستگاه‌ها تصویر دیگری هم ارائه می‌کند: وزارتخانه‌های کشور ۳۲ درصد، نیرو ۲۵ درصد، نفت ۸۵ درصد، راه و شهرسازی ۲۲ درصد تحقق را اعلام کرده‌اند. چنین شکاف معنادار میان ارزیابی رسمی و خوداظهاری دستگاه‌ها نشان می‌دهد که کشور فقط با ترک فعل، بلکه با «تغفل نهادی» مواجه است، وضعیتی که در آن مسئولیت‌ها میان نهادها پراکنده شده و هیچ‌کس اختیار و پاسخ‌گویی کامل ندارد و همین، تصمیم‌گیری را فلج می‌کند. این بحران با «شکاف داده» و «تضاد منافع ساختاری» تکمیل می‌شود. برخلاف بسیاری از کشورها، ایران هنوز اطلاعات منظم و قابل اتکای سلامت‌محور منتشر نمی‌کند، داده‌های بستری تنفسی کودکان علنی نیست، ایستگاه‌های سنجش آلودگی در تهران، اصفهان، مشهد و اراک به طور پایدار کار نمی‌کنند، پایش اطراف مدارس انجام نمی‌شود و داده‌های صنایع، وزارت نیرو، نفت و نیروگاه‌ها آنچه شایسته است، در دسترس عموم قرار نمی‌گیرد. و حال باید پرسید کشوری که

اوایل هفته گذشته و با شدت یافتن دوباره آلودگی هوا در ابرشهر تهران، دبیر کارگروه اضطرار آلودگی هوا اعلام کرد که نماینده آموزش و پرورش در جلسه این کارگروه با تعطیلی مدارس مخالفت کرد.
ایین خبر کوتاه ذهن هر ایرانی را به تأمل وامی‌دارد که آیا واقعاً سلامت دانش‌آموزان برای مدیران این نهاد مهم است؟ و وقتی درمورد سلامت سخن می‌گوییم سلامت روان و سلامت جسم را توامان درنظر داریم. مدیران آموزش و پرورش بارها و بارها تکرار کرده‌اند که سلامت دانش‌آموزان برایشان بسیار مهم است. گواه این ادعایشان نیز آمارهای فعالیت‌های متعددشان برای حفظ و ارتقای سلامت دانش‌آموزان است. اما بایبد با درنظرگرفتن چند نمونه در زمینه سلامت روان دانش‌آموزان این ادعا را بشکافیم و از منظر تفکر نقادانه آن را واکاوی کنیم. یکی از گسترده‌ترین فعالیت‌های معاونت

پرورشی وزارت آموزش و پرورش در سال‌های اخیر که بخش اعظمی از جلسات این معاونت در سطح وزارتی، استانی و ادارات کل و مناطق را به خود اختصاص می‌دهد، برگزاری دو فعالیت ذیل نظام مراقبت‌های اجتماعی دانش‌آموزان (نماد) یعنی آزمون غربالگری سلامت روان و رصد و پایش آسیب‌های اجتماعی در بین دانش‌آموزان است. بسیاری از بخش‌نامه‌های وزارتی در ماه‌های آبان و آذر مربوط به این دو فعالیت است که مدیران و مشاوران مدارس را ترغیب یا مجبور می‌کند که بخش عمده توجه‌شان را به این دو فعالیت اختصاص دهند. تا اینجا به‌نظر می‌رسد که چقدر خوب است که مدیران آموزش و پرورش به فکر سلامت روان دانش‌آموزان هستند. اما به نظر می‌رسد این نتیجه‌گیری چندان با واقعیت سازگار نیست. بایبد به صورت جزئی‌تر به این اقدامات بنگریم: آزمونی با ۵ سؤال برای دانش‌آموزان طراحی شده که آنها باید به تمامی سؤالات پاسخ دهند.

اول اینکه هیچ مطالعه منتشرشده‌ای در مورد روایی و اعتبار این آزمون وجود ندارد و بنابراین معلوم نیست که اعتبار این آزمون چقدر است. دوم، پنج سؤال در بین این ۸۵ سؤال وجود دارد که اگر دانش‌آموز به‌درستی به آنها پاسخ ندهد گواه آن است که پاسخ‌هایش

«دام‌گستری برای مجرم»

ممنوع یا مجاز؟



علی‌رضا دباغی

وکیل پایه یک دادگستری

مسئله دام‌گستری از آن موضوعاتی است که مرز میان اخلاق، عدالت و کارکرد دولت را در هم می‌آمیزد. از یک طرف، می‌توان از آن به‌عنوان دخالت نادرست دولت در آزادی انسان یاد کرد و از طرف دیگر، می‌توان گفت بدون این ابزار بسیاری از جرائم پنهان اساساً قابل کشف نیستند. به همین دلیل هم در حقوق و هم در فلسفه، دام‌گستری همیشه محل مناقشه بوده است.

۱. دلایلی که می‌توانند ممنوعیت دام‌گستری را توجیه کنند

(الف) مسئله اراده و مسئولیت: مبانی هر نظام کیفری این است که انسان با اختیار خودش مرتکب جرم می‌شود. اگر مأمور دولت شرایطی بسازد که فرد در حالت عادی در آن قرار نمی‌گرفت، مسئولیت اخلاقی فرد مخدوش می‌شود. کسی که تحت وسوسه، قریب یا طراحی دولت لغزش پیدا می‌کند، همان فردی نیست که آزادانه جرم را انتخاب کرده باشد.

(ب) دولت حق ندارد جرم تولید کند: وظیفه دولت مقابله با جرم موجود است، نه اینکه خودش «صحنه جرم» بسازد تا در آن کسی را گرفتار کند. وقتی جرم با ابتکار دولت ایجاد شود، دیگر نمی‌توان گفت مجرم واقعی فرد است؛ بلکه این دولت است که او را در این مسیر قرار داده است.

(ج) ناسازگاری با کرامت انسانی

در نگاه‌های اخلاقی محور یا مبتنی بر حقوق طبیعی، تحریک انسان به ارتکاب جرم-حتی اگر به‌ظاهر برای کشف جرم باشد-نوعی تحقیر کرامت اوست. درست مثل اینکه پزشک برای اثبات مهارتش اول بیمار درست کند.

(د) زمینه سوءاستفاده و بی‌عدالتی: دام‌گستری ذاتاً پنهانی است. چنین ابزارهایی همواره خطر سوءاستفاده دارند:

برای پرورنده‌سازی، حذف رقیب، تطهیر عملکرد دستگاه‌ها با اعمال نفوذ سیاسی، عدالت کیفری نیازمند شفافیت است و دام‌گستری خلاف جهت این اصل حرکت می‌کند.

(ه) تعارض با اصل قانونی‌بودن جرم و مجازات: اگر جرم بدون دخالت دولت اصلاً رخ نداده، پس دولت در واقع فرد را وارد حوزه‌ای کرده که قانون برای آن مجازات تعیین کرده است. این حالت با بنیاد «جرم‌انگاری واقعی» و اصل قانونی‌بودن جرم و مجازات سازگار نیست.

۲. دلایلی که می‌توانند قانونی‌بودن دام‌گستری را توجیه کنند

(الف) آشکارشدن آمادگی مجرم‌انه: مدافعان دام‌گستری معمولاً می‌گویند دولت گدشت جرمی نمی‌سازد؛ بلکه فقط شرایطی ایجاد می‌کند که «آمادگی درونی» فرد ظاهر شود. کسی که با یک پیشنهاد ساده جذب جرم می‌شود، احتمالاً چنین تمایلی را از قبل داشته است.

(ب) پیشگیری از وقوع جرائم سنگین: در برخی جرائم، مخصوصاً جرائم سازمان‌یافته یا اقدام‌های تروریستی، امکان صبرکردن تا وقوع جرم وجود ندارد. دام‌گستری کمک می‌کند خطر قبل از تحقق خنثی شود.

(ج) کشف جرائم پنهان: بسیاری از جرائم-مثل رشوه، قاچاق، پول‌شویی، خرید و فروش موارد ممنوع-به‌طور معمول افشا نمی‌شوند و تنها با دام‌گستری قابل اثبات‌اند. بدون آن، بخش بزرگی از فساد اصلاً دیده نمی‌شود.

(د) ایجاد بازدارندگی عمومی: وقتی افراد بدانند ممکن است پیشنهادها یا رفتارهایی در واقع آزمایشی از سوی دولت باشد، احتمال ارتکاب جرم کاهش پیدا می‌کند. این نوع «بازدارندگی ساختاری» یکی از انگیزه‌های اصلی استفاده از دام‌گستری است.

(ه) جدایی اخلاقی از حقوق: در دیدگاه‌های اثبات‌گرایانه، قانون الزاماً دنباله‌رو اخلاق نیست. اگر دام‌گستری به نظم اجتماعی کمک کند، می‌تواند مشروع تلقی شود، حتی اگر از منظر اخلاقی مورد بحث باشد.

مع‌الوصف، دام‌گستری در نقطه تلاقی دو ارزش بنیادین قرار دارد: از یک طرف کرامت انسانی، اراده آزاد و پاک‌دست‌بودن دولت و از طرف دیگر امنیت عمومی، پیشگیری و کشف جرائم پنهان. هر نظام حقوقی مجبور است بین این دو ارزش تعادلی برقرار کند و هر انتخابی در این حوزه بهایی اخلاقی دارد. به همین خاطر، مسئله دام‌گستری همیشه از جنس مسائل «خاکستری» باقی می‌ماند؛ نه می‌توان آن را مطلقاً درست دانست و نه مطلقاً نادرست.

طنزخوانی

طبقه در حال احتضار متوسط



آردین سیارسریع

خدا را شکر که بلک فرایدی تمام شد. فروشگاه‌ها کم مانده بود زنگ خانه‌مان را بزنند که بیا از ما جنس بخر. ۳۰ درصد تخفیف گذاشته‌ایم. آدم رویش هم نمی‌شود بگوید گیرسم ۳۰ درصد هم تخفیف گذاشتید، آن ۷۰ درصد را ما از کجا باید بیاوریم؟ من خودم هفت هشت سال پیش که از الان وضعم بهتر بود، خطبی کردم، آدمم باکلاس رفتار کنم و کیفی از یکی از فروشگاه‌های معروف چرم خریدم؛ بندگان خدا هنوز هم که هنوز است، بعد از هشت سال پیامک می‌دهند که تخفیف گذاشته‌ایم، بیا از ما خرید کن! درواقع این عزیزانی که برند چرم دارند تنها کسانی هستند که هنوز از من ناامید نشده‌اند و فکر می‌کنند من دوباره می‌توانم دست‌انم را بگذارم روی زانویم و بلند شوم. از این جهت از امید واهی عزیزان سیاست‌گزارم، اما لازم است کمی روشن‌کنم.
بین عزیزجان! داری لگد به مرده می‌زنی. توی این قبری که فاتحه می‌خوانی کسی نیست. آن موقع حقوق من ۱۵ میلیون بود. چهار میلیونش را دادم به شما کیف خریدم. الان حقوق من ۱۷ میلیون است و کیف شما شده ۲۵ میلیون. یعنی اگر شما خودتان را تا انتها فشار بدهید و هشت تومان آف بزنید، من باید کل حقوقم را بدهم به شما و کیف بخرم. تا آخر ماه تمام اموال‌م را باید با آن کیف بگذرانم. کیف را بخورم، کیف را بیوشم و از همان کیف برق تولید کنم. نمی‌دانم اطلاع دارید یا نه، دیگر تمام شد آن دورانی که طبقه متوسط می‌توانست بریزپاش کند. طبقه متوسط مرد. تمام شد. طبقه متوسط هنر کند الان بتواند یک کتاب بخرد و یک قلب از ته‌مانده ماچای طبقات بالاتر بخورد. البته بهتر که تمام شد. چی بود این طبقه متوسط؟ یک‌عده غرغروی عینکی زبان‌دار از نمی‌نشستند دور هم فاز، شهرزدنی و مطالبه‌گری نمی‌داشتند و هرچه می‌شد داد می‌زدند آیا! حقوق فردی ما چه شد و دموکراسی کجا رفت و نهادهای مدنی چرا شکل نمی‌گیرد و این‌دست مزخرفات. الان به لطف دستاوردهای اقتصادی‌ای که حاصل شده، خوشبختانه درگیر مسائل مهم‌تری است و دارد فکر می‌کند که آیا بنزین سهمیه‌ای به ماشینش تعلق می‌گیرد یا نه. بماند تهران یا خانه را تحویل بدهد و برگردد شهرستان در باغچه سب‌زمینی و پیاز بکارد. رابطه‌ها هم همه Ctrl+Z خورده؛ اگر زن و شوهر بودند الان جدا شده‌اند، اگر نسوی رابطه بودند الان دوست معمولی‌اند. اگر دوست معمولی بودند الان فقط استوری‌های هم را لایک می‌کنند. به این ترتیب می‌توان امیدوار بود که ادامه نسل طبقه متوسط هم تقریباً کمنسل است و در آینده فقط اسامال خواهیم داشت و دو ایکس. غرض از این همه غرغر و طنز بی‌مزه، اینکه ای عزیزان چرم‌فروش! لطفاً امیدتان را به من از دست بدهید. پیامک نفرستید. اصلاً همه اینها به کنار، خودتان عقلتان نمی‌رسد هر روز به یک خط که ۹۳۸ ایرنسل است نکویید یا محصول چرم لوکس بخر؟ طبقه متوسط را این‌قدر ناآزیت نکبید. بگذارید این دم دمای آخر، با آرمش از بین برویم!

خبرخوانی

بیر سفید کیست؟

چند روزی است که رسانه‌های معتبر آلمانی همچون بیلد و اشپیگل از یک دانشجوی ایرانی-آلمانی گزارش داده‌اند. دانشجویی که به نظر می‌رسد در ترغیب افراد علاقه‌مند به خودکشی مؤثر بوده و بعضی از آنها را ترغیب کرده است. طبق گزارش اداره جنایی هامبورگ و آن‌طوره که یورونیوز اطلاع‌رسانی کرده است این دانشجو دارای «اختلال بسیار پیچیده» است. نام کوچک او در رسانه‌ها منتشر شده و عده‌ای معتقدند نباید اجازه تحصیل در رشته پزشکی به او داده شود؛ چراکه تحصیل در این رشته به او این امکان را می‌دهد که «فانتزی‌های آسیب‌رسان» خود را عملی کند. برخی رسانه‌ها به این موضوع هم اشاره کردند که «بیر سفید جرم‌های کودکاآزاری و جرائم پدوفیلی هم مرتکب شده است». این دانشجو در شبکه‌های آنلاین نوجوانان را به انجام اعمال سادیستی و خشونت‌آمیز ترغیب می‌کرده است. طبق تحقیقات مجله آلمانی اشپیگل، شبکه آنلاین کودک‌آزاری Com و گروهی که با نام ۷۴۶ شناخته می‌شود و به این شبکه وابسته است، عامل مرگ تعداد بیشتری از افراد هستند.

بیر سفید کیست؟

چند روزی است که رسانه‌های معتبر آلمانی همچون بیلد و اشپیگل از یک دانشجوی ایرانی-آلمانی گزارش داده‌اند. دانشجویی که به نظر می‌رسد در ترغیب افراد علاقه‌مند به خودکشی مؤثر بوده و بعضی از آنها را ترغیب کرده است. طبق گزارش اداره جنایی هامبورگ و آن‌طوره که یورونیوز اطلاع‌رسانی کرده است این دانشجو دارای «اختلال بسیار پیچیده» است. نام کوچک او در رسانه‌ها منتشر شده و عده‌ای معتقدند نباید اجازه تحصیل در رشته پزشکی به او داده شود؛ چراکه تحصیل در این رشته به او این امکان را می‌دهد که «فانتزی‌های آسیب‌رسان» خود را عملی کند. برخی رسانه‌ها به این موضوع هم اشاره کردند که «بیر سفید جرم‌های کودکاآزاری و جرائم پدوفیلی هم مرتکب شده است». این دانشجو در شبکه‌های آنلاین نوجوانان را به انجام اعمال سادیستی و خشونت‌آمیز ترغیب می‌کرده است. طبق تحقیقات مجله آلمانی اشپیگل، شبکه آنلاین کودک‌آزاری Com و گروهی که با نام ۷۴۶ شناخته می‌شود و به این شبکه وابسته است، عامل مرگ تعداد بیشتری از افراد هستند.

رئیس پلیس فتای استان فارس از دستگیری سه کلاهبردار که با دسترسی غیرمجاز به شبکه اجتماعی یک شهروند، مبلغ ۴۰ میلیارد ریال از حساب رمزارز وی برداشت کرده بودند، خبر داد. مأموران پس از اقدامات فنی موفق شدند سه نفر را در یکی از استان‌های غرب کشور شناسایی و آنها را دستگیر کنند.

متهمان در ابتدا منکر هرگونه اقدام مجرمانه شدند، ولی پس از مواجهه با مستندات و ادله دیجیتال، لب به اعتراف کشوندند و هدف از این کار را درآمدزایی عنوان کردند.

آتش‌سوزی مهیب یک مجتمع مسکونی که از روز پنجشنبه آغاز شد، تاکنون جان ۹۴ نفر را گرفته و ده‌ها زخمی بر جا گذاشته است. اداره آتش‌نشانی هنگ‌کنگ اعلام کرد بیش از ۷۰ نفر -ازجمله ۱۱ آتش‌نشان- در این حادثه مصدوم شده و حدود ۹۰۰ نفر از ساختمان و مناطق اطراف آن تخلیه شده‌اند. «جان لی» رئیس منطقه هنگ‌کنگ اعلام کرده بود ارتباط با ۲۷۹ نفر از ساکنان قطع شده است. پلیس پنجشنبه به دفتر شرکت «پرسیتیز» -که در تعمیرات ساختمان نقش داشته- یورش برده و اسناد آن را توقیف کرده است.

۲۷۹ نفر

۴۰ میلیارد ریال